



آنچه در ماجرای بر خورد یک نماینده و سر باز وظیفه نباید مورد غفلت واقع شود، واکنش مردم حاضر در صحنه در گیری است مشکلات معیشتی و احساس تبعیض و نابرابری ۲ زمینه مهم برای ایجاد و ابراز خشم اجتماعی شده است

# خشم در روزه‌ها دولت



## در مدار عدالت

«وطن امروز» گزارش می‌دهد

مصوبات مجلس یازدهم در ۸ ماه گذشته تا چه اندازه می‌تواند در کاهش فاصله طبقاتی و توانمندسازی اقشار ضعیف مؤثر باشد

رژیم اشغالگر صهیونیستی با واکنش‌ها رو به افزایش رود و شرایط برای اعمال فشار بیشتر به ساکنان سرزمین‌های اشغالی نیز فراهم شود. بایدن که در جریان مبارزات انتخاباتی، خودش را از شدت تعلق به تامین منافع اسرائیل، «یک صهیونیست» نامیده بود، در سرزمین‌های اشغالی، بر همین اساس است که جدیدترین سیاست‌های خود را برای ایجاد رضایت خارجی خود برای منطقه غرب آسیا در پیش خواهد گرفت؛ یعنی فشار بیشتر به ایران برای ایجاد رضایت در سرزمین‌های اشغالی، بر همین اساس است که دولت افراطی «بنیامین نتانیاهو» در تل‌آویو به طور تام و تمام پای کار دولت بایدن آمده و حمایت کامل خود از سیاست‌های کاخ نشین جدید سفید اعلام کرده است. در واقع باید گفت ترکیب «برنز-بلیکن» از یک سو، و راهبرد منطقه‌ای احتمالی دولت بایدن از سوی دیگر، تحلیلگران را به این نتیجه رسانده که امیدواری به هر گونه گام رو به جلوی کاخ سفید برای بازگشت به برجام و انجام تعهدات آمریکایی‌ها، نه یک تحلیل بر اساس واقعیت بلکه یک رؤیا بر اساس توهم است.

\* پژوهشگر روابط بین‌الملل

همانند اوپاما، کشورهای عربی منطقه را بازارهای اصلی آمریکا برای تامین منافع ملی خود و همچنین مهار قدرت روزافزون ایران در منطقه می‌بیند. بر مبنای همین راهبرد است که «انتونی بلینکن»، وزیر امور خارجه آمریکا، در جلسه بررسی وی در مجلس سنا این کشور، ایران را مهم‌ترین کشور حامی تروریسم در جهان معرفی کرد و خود را به تامین قطعی امنیت رژیم صهیونیستی متعهد دانست. بلینکن پیش از این هم در یک سخنرانی، اعلام کرد قرارداد جدیدی در زمینه هسته‌ای باید با تهران بسته شود که هم طولانی‌تر باشد و هم محکم‌تر و تعهدات بیشتری را بر عهده طرف ایرانی بگذارد. او بر اضافه شدن مسائل منطقه‌ای و همچنین فناوری دفاعی ایران به قرارداد جدید هم تاکید کرد. در همین راستا می‌توان انتظار داشت مرادفات سیاسی-رسانه‌ای کشورهای عربی منطقه و همچنین

نگاهی به راهبرد احتمالی دولت جدید آمریکا در قبال ایران و رژیم‌های سعودی و صهیونیستی از «برجام بایدن» خبری نیست بوده و به زبان‌های عربی و روسی مسلط است و با زبان فارسی هم آشنایی دارد. برنز یکی از چهره‌های کلیدی در مذاکرات هسته‌ای با کشورمان بود و روند شکل‌گیری مذاکرات هسته‌ای در عمان هم با مدیریت او انجام شد. بر همین اساس، می‌توان انتظار داشت منطقه غرب آسیا یکی از نقاط راهبردی در حوزه سیاست خارجی دولت جدید ایالات متحده باشد. این رویکرد، برخلاف نگاه دولت ترامپ به این منطقه است، چرا که ساکن قبلی کاخ سفید معتقد بود منافع راهبردی و واشنگتن مرکز آمریکا در دولت بایدن معرفی شدند و مورد تأیید کنگره هم قرار گرفتند، افرادی با تخصص ویژه در حوزه غرب آسیا هستند. به عنوان مثال، «ولیم برنز» که ریاست سازمان CIA را بر عهده گرفت، به مدت ۲۵ سال در وزارت خارجه و همچنین دستگاه‌های اطلاعاتی-امنیتی این کشور، مسؤول میز این منطقه

همراهی حکومت بحرین برای تامین منافع واشنگتن در غرب آسیا، دولت اوپاما حاضر به دفاع از مردم و ابراز مخالفت نسبت به اقدامات سرکوبگرانه آل‌خلیفه نشد. اوپاما در این زمینه می‌نویسد: تأسیس نظم آمریکایی در منطقه، یکی از راهبردهای اصلی این کشور است که تحت هر شرایطی و حتی در صورت زیر پا گذاشتن تمام ارزش‌های ادعایی کاخ سفید، به صورت جدی پیگیری خواهد شد. از سوی دیگر، چهره‌هایی که به عنوان گزیننده‌های وزارت خارجه و رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در دولت بایدن معرفی شدند و مورد تأیید کنگره هم قرار گرفتند، افرادی با تخصص ویژه در حوزه غرب آسیا هستند. به عنوان مثال، «ولیم برنز» که ریاست سازمان CIA را بر عهده گرفت، به مدت ۲۵ سال در وزارت خارجه و همچنین دستگاه‌های اطلاعاتی-امنیتی این کشور، مسؤول میز این منطقه

یادداشت مهدی خانعلی‌زاده: باراک اوپاما، رئیس‌جمهور اسبق ایالات متحده آمریکا در کتاب خاطرات خود که اخیراً منتشر شده، روایتی از نگاه دستگاه سیاست خارجی این کشور به منطقه غرب آسیا ارائه می‌دهد که با تحلیل آن و مقایسه با اقداماتی که دونالد ترامپ در این زمینه انجام داد، می‌توان به راهبرد احتمالی دولت جدید این کشور در این زمینه پی برد؛ راهبردی که در همین چند روز هم با معرفی مسؤولان سیاسی کابینه جو بایدن، تا اندازه‌ای شفاف شده است. اوپاما در کتاب خود «سرزمین موعود»، نوشته که در ماجرای وقوع بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و در میان کشورهای حوزه خلیج فارس، یکی از نگرانی‌های اصلی کاخ‌سفید، مسأله اعتراضات در بحرین بوده؛ جایی که با وجود کشته شدن صد نفر از اعضای دولت عراق به جای جلوگیری از شکل‌گیری این ناوگان پنجم دریایی آمریکا در این کشور و همچنین

نگاه

لایحه خوشبینانه بودجه!

محمد حسن آصفری: بودجه‌ای که دولت برای سال آتی به مجلس ارائه کرده را نمی‌توان بودجه عملیاتی و اجرایی نامید؛ زیرا به هیچ‌وجه



دخل و خرج آن با هم تطابق نداشته و قوه مجریه بودجه‌ای خوشبینانه و خوش‌یاورانه را برای سال ۱۴۰۰ تسلیم مجلس کرده است. لذا نظر کمیسیون تلفیق بودجه مجلس ابتدا بر رد آن بود اما با توجه به جلسات متعددی که مدیران ارشد سازمان برنامه و بودجه در کمیسیون تلفیق حاضر شده و اعلام کردند دولت برای اصلاح این بودجه به مجلس کمک خواهد کرد، نمایندگان در نهایت راضی به تأیید کلیات بودجه شدند. البته برخی وزرا در مجلس به صراحت از بخش‌های مختلف بودجه انتقاد می‌کردند و از مجلس می‌خواستند آن را اصلاح کنند؛ وزیر نفت وقتی درباره فروش ۲/۳ میلیون بشکه نفت در روز از او سؤال کردیم اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت نمی‌دانم چگونه فروش این رقم امکان‌پذیر است! اگر قرار است افزایشی در میزان فروش بشکه‌های نفت در هر روز داشته باشیم این کار باید با اجاره اوپوک باشد و وزیر نفت این موضوع را بخوبی می‌فهمد و می‌داند قرار است اوپوک سهم کدام یک از کشورها را کم کند. متأسفانه دولت تا نگاه سیاسی رقم فروش نفت در هر روز را برای سال ۱۴۰۰ نوشته در حالی که اعداد و ارقام و میزان درآمدهای حاصل از آن کاملاً غیرواقعی است.

سطح میزان فروش اوراق مشارکتی که در بودجه ۱۴۰۰ آمده است هم خوشبینانه و غیرواقعی است؛ ضمن اینکه اعداد و ارقام و منابع و بخش‌های مختلف منافع و مصارف هم غیرشفاف و غیرواقعی است. نظر مجلس بر بودجه چهاردوازدهم بود اما با توجه به قول‌هایی که دولت‌مردان و مسؤولان سازمان برنامه و بودجه دادند و دیداری که رئیس‌جمهور با رئیس مجلس داشت، مقرر شد مجلس اصلاحات لازم را در بودجه ۱۴۰۰ انجام دهد؛ به همین دلیل درباره تک‌تک بندهای بودجه گاهی تا ۲ تا ۳ روز کارشناسی صورت گرفته و با حضور کارشناسان مختلف سازمان‌های متعدد آن را بحث و بررسی کردیم که کارشناسان دیوان محاسبات، مرکز پژوهش‌های مجلس، اتاق بازرگانی و سازمان برنامه از جمله این کارشناسان بودند.

ناراحتی آقای روحانی از مجلس به این دلیل است که برخی ردیف‌ها و جداول بودجه شفاف شده است، در حالی که ما درباره لایحه بودجه سال‌های گذشته شاهد چنین شفافیتی نبودیم. ادامه در صفحه ۶

بایدن در غرب آسیا و جهان اسلام» را تکمیل کنند و به این طریق، بقای خود در قدرت را چند صباح دیگری تضمین کنند اما قطعاً جبهه مقاومت اجازه دستیابی به چنین هدفی را به کاخ سفید و مزدوران منطقه‌ای آن نخواهد داد. بهتر است دولت بایدن روزهای اولیه تأسیس کاخ سفید را به یاد بیاورد؛ روزهایی که مقامات آمریکایی، صهیونیست‌اروپایی و سعودی تصور می‌کردند داعش در عرض ۶ ماه دمشق و بغداد را تصرف کرده و در اختیار واشنگتن و متحدانش قرار می‌دهد! جبهه مقاومت با درایت و جانفشانی شهدای بزرگوار مانند حاج‌قاسم سلیمانی و ابومهدی المهدیس، این منظومه «تمام‌آمریکایی» را در هم شکست و حسرت دستیابی دشمنان جهان اسلام به اهدافشان را بر دل آنها گذاشت. اکنون نیز رزمندگان مقاومت نه تنها در عرصه میدانی آماده مبارزه با تروریست‌های کوکی آمریکا و سعودی هستند، بلکه رصد دقیق و کاملی درباره استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و نقشه‌های میدانی دولت بایدن در منطقه دارند.

خیال خود، بتواند «عراق تجزیه‌شده» را به یک «لگو» برای قومیت‌ها و مذاهب مختلف در منطقه تبدیل کند. بایدن معتقد است «عراق تجزیه‌شده» مقدمه و پیش‌درآمدی برای «تجزیه جهان اسلام» محسوب می‌شود. بی‌دلیل نبود ۷۷ درصد یهودیان آمریکا و حتی بسیاری از اعضای لابی صهیونیستی، آریک، ترجیح دادند در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ به بایدن رای دهند! از سوی دیگر، «بایدن» به همراه «باراک اوپاما» و «هیلاری کلینتون»، نقش مهمی را در تأسیس و سازماندهی داعش و دیگر گروه‌های تروریستی-تکفیری در عراق و سوریه ایفا کرد. بایدن معتقد است «داعش» باید به عنوان یک «عامل برهم‌زننده امنیت»، «عامل ترس عمومی» و «هرم فشار» علیه مردم و دولت‌های منطقه، به فعالیت خود ادامه دهد. بایدن مانند ترامپ و حتی جدی‌تر از آن، در صدد «بازسازی تروریسم تکفیری» در عراق و منطقه است. آموزش نظامی نیروهای داعش در نقاط مرزی عراق و سوریه (نقاط

میلادی زمانی که سناتور ایالت «دلور» بود، به عنوان یک سناتور دموکرات از اشغال عراق توسط دولت جورج واکر بوش حمایت کرد. ماجرا به این نقطه ختم نشد! بایدن سال ۲۰۰۶ میلادی تئوری دهشتناک خود مبنی بر «فدرالیته کردن و تجزیه عراق» را به دولت بوش ارائه کرد. بایدن معتقد است عراق باید براساس مؤلفه‌های «قومیتی» و «مذهبی»، به ۳ کشور مجزا (عراق شیعی، عراق سنی و عراق کرد) تقسیم شود. این «تئوری بایدن» در آینده توسط اتاق‌های فکر و اعضای وزارت خارجه آمریکا بسط داده شد و تبدیل به «راهبرد مبنایی واشنگتن در عراق» شد. جالب است بدانیم حتی در دوران حضور ترامپ در کاخ سفید، «تئوری تجزیه عراق» یا همان «تئوری بایدن»، نقشه راه رئیس‌جمهور شکست‌خورده آمریکا و هم‌راهانش در قبال بغداد و منطقه محسوب می‌شد. در حال حاضر، بایدن شخصاً در رأس معادلات سیاسی-اجرایی ایالات متحده قرار گرفته است. اکنون بایدن به «تقسیم عراق» فکر می‌کند تا به

دیدگاه نویسنده مؤمن: افغان‌جاری که اخیراً در منطقه شیعه‌نشین بغداد، پایتخت عراق رخ داد و منجر به شهادت و زخمی شدن بیش از یکصد نفر شد، مولد دغدغه‌های امنیتی تازه‌ای در عراق و منطقه است. بر همگان مسلح است اقدامات سلبی و بازدارنده دولت مصطفی‌الکلامی در عراق علیه حشدالشعبی و دیگر گروه‌های مقاومت، نقش بسزایی در تقویت تروریستی و تکفیری در این کشور داشته است. به عبارت بهتر، از ابتدا مسلح بود میان «تضعیف مقاومت» و «تقویت داعش» ارتباط مستقیمی وجود دارد و متأسفانه، نخست‌وزیر و برخی اعضای دولت عراق به جای جلوگیری از شکل‌گیری این معادله خونین، نقش یک «کاتالیزور» را در شکل‌دهی آن ایفا کردند. در آن سوی آتلانتیک، دولت جو بایدن در حال رصد ویژه تحولات عراق بوده و کماکان «بغداد» را نقطه کانونی مداخله‌گرایی خود در منطقه غرب آسیا قلمداد می‌کند. رئیس‌جمهور جدید آمریکا سال ۲۰۲۰